

خانه دولت!

وکیل ملت یا دولت؟

افزایش اعتماد مجلس به وزیر راه و مسکن

پس از فجایع ریلی و بحران مسکن!

هیس! به نفع دولت

طرح دوفوریتی ممنوعیت سؤال

در فراكسیون امید

صفحه نخست

رئیس جمهور باید ...

شاخصه های رئیس جمهور
بر محوریت اندیشه های امام (ره) / صفحه ۴

فجر بیگانه با انقلاب

تحلیلی خواندنی از
سیاست های جشنواره فجر / صفحه ۳

ذبح اسلامی خوک

نگاهی به وضعیت بانکداری کشور / صفحه ۲



سخن انجمن

نشریه رسمی

انجمن اسلامی دانشجویان
(تاسیس ۱۳۴۲ - عضو دفتر
تحکیم وحدت)
دانشگاه صنعتی امیرکبیر

صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان

مدیر مسئول:

علیرضا صفرپور

سر دبیر:

امیرحسین اعزازی

طراح:

محمدحسن نوذری

همکاران این شماره:

زینب آورکانی |

علی دهقان | محمد سمیعی
| زینب السادات طباطبایی

نشانی:

تهران | خیابان حافظ |
روبروی خیابان سمیه |
دانشگاه صنعتی امیرکبیر |
انجمن اسلامی دانشجویان

تلفکس:

۰۲۱۶۶۴۹۵۶۵۴

@AnjomanEslami_AUT

Anjoman_Eslami_Amirkabir

Anjoman.Eslami1342@gmail.com

۰۹۱۰۴۵۶۶۴۳۰



خانه دولت!

امیرحسین اعزازی
کارشناسی مهندسی شیمی

بررسی نقش گمشده ی مردم در مردمی ترین نهاد حاکمیت



دیگته می شود را دنبال می کنند هرگز نمی توانند
نماینده شایسته ای برای مردم باشند.

حداقل نتیجه ی سیاست زدگی نامزد ها و نمایندگان
مجلس، ایجاد بی اعتمادی نسبت به مجلس در بین
مردم و نیز ناامیدی آن ها از مطالبه حقوق خود از
اصلی ترین ابزار مشارکتشان در حاکمیت است. نتیجه ی
آشکار میزان مشارکت و ترکیب آرای انتخابات ۷ اسفند ۹۴
در پایتخت (به عنوان سیاسی ترین حوزه انتخابیه)
به خوبی این ادعا را اثبات می کند که اقشار کم
برخوردارتر هیچ رغبتی به انتخاب افرادی که نمی
توانند نماینده آن ها باشند، ندارند.

مجلس دهم - با طرح ها و تصمیمات
پرسش برانگیزش - شاید جدید ترین نمونه
تقابل اندیشه مجلس و ملت (و از قضا
این بار به نفع دولت!) است.

برای مثال طرح اخیر فراکسیون امید
مبنی بر «جس افراد سؤال کننده در
سخنرانی ها!» که با دو فوریت (!) مطرح
می شود، چگونه می تواند در جهت
حقوق ملت باشد؟ و یا رأی اعتماد بالا به
یکی از ناکارآمدترین وزرا که فجایع ریلی
و بی برنامهگی در بخش مسکن، کفایت
او را در اذهان عموم ملت زیر سؤال
می برد - تا جایی که همزمان با جلسه
استیضاح تعداد زیادی از متقاضیان
مسکن مهر در کنار مجلس تجمع کرده و
علیه او شعار می دهند - در جهت منافع
و خواست ملت است یا دولتی که به
هر قیمتی باید حمایت شود؟

حق آن است که مکان جمع شدن این گروه از
نمایندگان که مُصرانه در مقابل مردم از دولت
حمایت می کنند را «خانه دولت» بنامیم.

بدون تردید یکی از مهمترین وظایف نمایندگان
مجلس، نظارت بر دستگاه های اجرایی و مطالبه
حقوق مردم از آنهاست و این امر تنها در صورتی
محقق می شود که نماینده مجلس خود را در برابر
مردمی که وی را انتخاب کرده اند مسئول بداند.
اندیشه ی حکومت جمهوری اسلامی در مورد
نمایندگان مجلس که در قانون اساسی منعکس شده
را می توان از این سخن امام خمینی (ره) دریافت
که: «مجلس ملت است که متبلور شده است.»
ولی متأسفانه آنچه عملاً درون مجلس شاهد
آن هستیم، تبلور جریان ها و جناح هاست که

هیچکدام نه از مردم هستند و نه
برای مردم. وضع به جایی رسیده که
اکثر نامزد های نمایندگی مجلس از
پیش از انتخابات، دچار حزب گرایی
ها و بازی های سیاسی می شوند
؛ اسفبارتر این که این افراد با در
اختیار داشتن حمایت های گسترده
تبلیغاتی و مالی همواره از شانسی
بالاتری برای تصدی کرسی های
وکالت ملت برخوردارند و سرانجام
پس از انتخاب، برای تأمین خواسته
های حامیان با نفوذ خود، منافع
جناحی را بر منافع مردم مقدم می
شمارند؛ نتیجه این نوع نگاه از سوی
این طیف از نمایندگان که دارای
اکثریت نیز هستند، همواره به ضرر
مردم بوده و در بزنگاه ها ضربات
جبران ناپذیری به حقوق ملت وارد
کرده و می کند.

نمایندگانی که بدون استقلال در
اندیشه، تنها مواردی که به شان

حداقل نتیجه ی
سیاست زدگی

نامزد ها و نمایندگان مجلس،
ایجاد بی اعتمادی نسبت
به مجلس در بین مردم
و نیز ناامیدی آن ها از
مطالبه حقوق خود از اصلی
ترین ابزار مشارکتشان
در حاکمیت است.

فراکسیون رهروان ولایت



علیرضا صفرپور
کارشناسی علوم کامپیوتر

ذبح اسلامی خوک!

• نگاهی به وضعیت بانکداری در کشور

ولی در مسائله مهمی مانند ربا-که در اسلام به جنگ با خدا از آن یاد می شود- کوتاهی برخی از علما غیر قابل انکار است. برای مثال چرا آن مرجعی که ربوی بودن نظام بانکی برایش مشهود است، حکم نمی دهد مقلدانش پول های خود را از بانک ها خارج نمایند. و یا آن دسته از افراد که برای مسائل مختلف دست به اجتماع می زنند و تحصن می کنند و نیز نظام بانکی را آلوده به ربا می دانند، آیا جنگ با خدا مسئله ی کمی است که در مقابله با آن کاری نمی کنند؟ فرض بفرمایید که علما و مراجع با یکدیگر در اقدامی هماهنگ حکم خارج کردن پول ها از بانک ها و حکم تحصن در مقابل بانک مرکزی را بدهند چه می شود؟ حداقل ماجرا این است که مردم خواهند دید که علمای شیعی همچنان در صف اول اصلاح جامعه در جهت رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی و حکومت عدل مهدوی هستند. سوم: سازمان ها، ارگان ها و مراکز داعیه دار گفتمان انقلاب اسلامی چه کرده اند؟ فرضاً می گوئیم دولت ها به دلیل کوتاه بودن زمان مسئولیتشان قادر به تغییر نیستند، اما سایر مراکزی که دست کم توان به نمایش گذاشتن جلوه ای از نظام مالی اسلامی را دارند چه کرده اند؟ برای مثال آیا همیشه بانکی مثل بانک انصار، حداقل اندک اصلاحاتی را داشته باشد؟ می گوئیم به کلی تغییر کند- چون ممکن است بگوئید ما زیرمجموعه بانک مرکزی هستیم و ابتدا آن باید تغییر کند! اما در همین اندازه که مثلاً دیرکرد دریافت نکند یا به فرض اگر نمی تواند عقود اسلامی را رعایت کند، صرفاً به اعطای قرض الحسنه بپردازد. اینها چند نمونه ای بود که اگر هر مجموعه ای از توان خود استفاده کند می توان شاهد تغییر در نظام مالی بود. متأسفانه زمان می گذرد و ریشه های بانک ها در جای جای این نظام، سترگ تر و عمیق تر می شود و هر قدر دیرتر اقدامی صورت گیرد، مقابله و مواجهه با این غول قدرت و ثروت سخت تر خواهد شد. ذبح اسلامی خوک نیز بیانگر وضعیت فعلی

ماست که از آن به بانکداری اسلامی یاد می شود. متأسفانه رسم شده است، هرچه را بخواهیم به ظن خودمان اسلامی کنیم، اضافه کردن یک صفت «اسلامی» را به آن اسم فارغ از توجه به محتوای آن- که ممکن است متناقض باشند- کافی می دانیم.

وقتی به خدمت امام رسیدند در رابطه با بهره بانک ها امام فرمود: «اصلاً بهره از پول یک امری است بسیار خلاف انصاف و خلاف انسانیت و بدترین انواع استثمار همین رباست که در مقابل هیچ خود پول که هست و در مقابل هیچ این بزیاید و بهره بردارد. (۳۱ اردیبهشت ۵۸) قریب به ۴ دهه از انقلاب اسلامی می گذرد و کماکان در آرزوی اسلامی کردن بانک ها همایش ها و سمینار ها برگزار می گردد و با پذیرایی بانک ها به پایان می رسد. آنچه مشهود است نبودن اراده لازم جهت اجرا و عملیاتی کردن طرح های اسلامیست. تا کنون پژوهشگران بسیاری چه از حوزه علمیه و چه دانشگاه ها طرح ها و مقالات بسیاری را برای اسلامی کردن نظام مالی کشور ارائه نموده اند اما در مقام اجرا کسی جرأت تقابل با ثروت و قدرت عظیم بانک ها را ندارد. عوامل متعددی در اجرای مسئولیت های خود کوتاهی می کنند که برای مثال به چند نمونه اشاره می شود: اول: نبودن دغدغه تصحیح بنیادین سیستم مالی توسط مسئولین و ترس از مقابله با ابر قدرت های مالی برای مثال

از رؤسای جمهوری که تا کنون داشته ایم کسی حاضر به ایجاد تغییر بنیادین در سیستم بانکی نشده است چرا که اگر رئیس جمهوری بنای این کار را داشته باشد، حداقل دو سال، کشور دچار التهاب و آشفتگی مالی خواهد شد و از آنجا که روش تربیتی مدیران ما بگونه ایست که سعی دارند با کارهای سطحی و زودبازده خاطره ی خوشی برای کسب آرا در دوره های بعد از خود بگذارند. دوم: عدم اقدام اساسی مراجع دینیست. در تاریخ شیعه هیچ تحول اساسی رخ نداده است مگر اینکه علمای وقت، دست به اقدامات جدی زده اند. متأسفانه پس از انقلاب اسلامی، شاهد هستیم مراجع دینی در مسائل

مهم اجتماعی کم تر ورود کرده و آنهایی هم که ورود کرده اند به اظهار نظر زبانی اکتفا کرده اند. مسلماً کسی منکر توجه به مصالح کشور نیست و باید به آنها توجه نمود



”
ذبح اسلامی خوک
وضعیت فعلی ماست
که از آن به بانکداری اسلامی
یاد می شود. متأسفانه رسم
شده است، هرچه را بخواهیم به
ظن خودمان اسلامی کنیم، اضافه
کردن یک صفت «اسلامی» را
به آن اسم فارغ از توجه به
محتوای آن- که ممکن است
متناقض باشند- کافی می دانیم.

فجر بیگانه با انقلاب

تحلیلی خواندنی از سیاست های جشنواره فیلم فجر

محمد سمیعی
کارشناسی سخت افزار

این سفیدی پرچم از سرانفعال و خودباختگی است نه از سرصلح و از رسالتی که برایش مبعوث شده بیش از پیش فاصله گرفته است. گویی اصحاب سینما و مدیران ترسوی این صنف فراموش کرده‌اند که شرط تعطیل نشدن سینماها در بدو انقلاب به عنوان یکی از مکاسب محرّمه، تبدیل شدن به سینمایی مطابق با آرمان‌های متعالی انقلاب بود. حال آنکه نه تنها این شروط را فراموش کرده‌اند بلکه با گستاخی فیلم‌هایی که گوشه‌ی چشمی به گفتمان انقلاب دارد را بایکوت می‌کنند. این درحالی است که این فیلم‌ها فارغ از محتوای مناسب، به گفته‌ی منتقدین در فرم سینما هم در سطح بالایی هستند و باید حسرت خورد که فیلم‌هایی از این دست به جای آنکه در «فجر» متاع کثیری باشند، در واقع در وضع موجود آلت‌ناتیهوایی هستند که به وسیله‌ی مدیران و داوران سینما بایکوت می‌شوند تا به راه خود ادامه ندهند. سینمای کنونی برای اینکه سد راه «سینمای تراز» شود، همانگونه که در سال‌های پیش نیز مشاهده شد، نسبت به فیلم‌هایی که گوشه‌ای از گفتمان انقلاب را نشان می‌دهند در راهیابی به مسابقه و نامزد شدن در رشته‌های مختلف و یا در برنده شدن سیمرغ‌ها نهایت تبعیض و ناداوری را مبذول می‌کند که این حرف‌گزاف نیست چرا که کاملاً مطابق نظر اکثر منتقدین سینما هم هست. نکته‌ی جالب‌تر آنکه چند سالیست برای جبران کردن این ناداوری‌ها، فیلم‌های جشنواره به صورت موازی و با تاخیر چند روز در قالب «جایزه‌ی سینمایی ققنوس» در حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار می‌شود و در آخر به فیلم‌هایی که در بلبشوی سینمای ایران نیم نگاهی به گفتمان انقلاب کرده‌اند، جایزه می‌دهند. این اتفاق تلخ‌ترین واقعه‌ی جشنواره فجر است که می‌توان از آن نام برد. در کشوری با جامعه‌ای آرمانگرا و انقلابی، و تاریخ معاصر ملامال افتخار و غرور، و فرهنگی غنی و ارزشمند، برای آنکه کوتاه‌ترین سخنی از انقلاب به میان آید ولو از جنس هنر باشد- باید آن را به گوشه‌ای برد تا مبادا به جریان غریزده و شبه‌روشنفکر سینما برنخورد! کسی نیست به سکانداران فرهنگ و هنر این کشور که سیاست پرچم سفید در برابر جنگ فرهنگی را در پیش گرفته‌اند بگوید: «نام فجر انقلاب را از جشنواره تان بردارید» گویی نام «فجر» و «انقلاب اسلامی» وصله‌ی ناجوری است که با زحمت به جشنواره فیلم جمهوری اسلامی زده‌اند. جشنواره‌ای که آورده‌ی غالب آن فیلم‌های اجتماعی مازوخیسمی و در بهترین حالت فیلم‌های آپارتمانی و سطحی است. جشنواره‌ای که با سیاهی و تاریکی جامعه را به تصویر می‌کشد و ریشه‌ی آرمان را در جامعه و با زبان بی‌هنر خود فرهنگ، اعتقاد و تاریخ خود را زیر سوال می‌برد.

جشنواره‌ی فیلم فجر از شاخص‌ترین همایش‌ها و جشنواره‌های کشورهای حوزه‌ی فرهنگ و هنر است که در هفته‌های پیشین ۳۵ امین دوره از این جشنواره با حواشی بسیار به پایان رسید. در این مقاله به این جشنواره نگاهی گذرا خواهیم داشت. می‌دانیم و بدیهی است که جشنواره‌های شاخص هر کشور در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر، معرف اندیشه‌های تمدن ساز و مبلغ تفکرات برخاسته از فرهنگ آن کشور است. برای مثال جشنواره‌ی کن در فرانسه؛ که همواره محوریت دموکراسی و به طور خاص وجوه افسارگسیخته‌ی آن را برای جهان تجویز می‌کند. یا جشنواره‌ی برلین؛ که جشنواره‌ای سیاسی است که با فیلم‌ها و جوایز آن می‌توان گفتمان سیاسی آلمان را با نفوذ هنر برداشت کرد. اما «جمهوری اسلامی ایران» پس از گذشت حدود ۴ دهه از انقلاب اسلامی و در مهم‌ترین و معتبرترین جشنواره در حوزه‌ی هنر که از قضا «فجر» نام دارد! کدام گفتمان را در پیش می‌گیرد و با زبان فاخر و نافذ سینما چه مفاهیمی را به مخاطبین خود ارائه می‌دهد؟ فُشل بودن سیاستگذاری در حوزه‌ی فرهنگ اتفاق جدیدی نیست که موجب تعجب بشود چون هم پیشینه‌ای به درازای چند دولت دارد و هم برای همگان ملموس و واضح است. اما این مقاله برای پاسخ به سوالی که بالاتر پرسیده شد بیش از آنکه به بی‌برنامگی کشور برای تبیین فرهنگ و هنر تراز انقلاب اسلامی بپردازد، معطوف به سیاستگذاری و عملکرد سازمان سینمایی و وزارت ارشاد وقت در قبال جشنواره‌ی فجر، سینما و به طور کل فرهنگ است. هنوز فجر ۳۴ ام سینما و تبعات حذف و قلع و قمع «بادیگارد» و «سیانور» و همچنین تکریم فیلم‌هایی مثل «ابد و یک روز» و «لاتوری» فراموش نشده بود که چند هفته مانده به جشنواره‌ی فجر خبر از حذف فیلم «امپراطوری جهنم» ساخته‌ی کارگردان کارکشته و چیره‌دست سینما «پرویز شیخ طادی» از بخش مسابقه‌ی جشنواره همه را متعجب کرد. دیدن تیزر یک دقیقه‌ای فیلم «امپراطوری جهنم» اثبات می‌کرد که تغییر وزیر ارشاد هم نتوانسته سایه‌ی سنگین «تفکرات اعتدالی» جشنواره را تغییر دهد و همچنان باید جشنواره‌ای عقیم و خنثی را شاهد باشیم. جشنواره‌ای که نام «فجر» را بر دوش دارد ولی از بردن نام انقلاب اسلامی می‌هراسد چه برسد به تبیین فرهنگ و تمدن انقلاب و نشر آن به وسیله‌ی فیلم‌هایش! جشنواره‌ای که در بحبوحه‌ی جنگ جهانی فرهنگی علیه تفکر انقلابی ایران به همه‌ی تفکرات پرچم سفید نشان می‌دهد که



رئیس جمهور باید...

ویژگی ها و شاخصه های رئیس جمهور بر محوریت اندیشه حضرت امام



ژنیپ سادات طباطبایی
کارشناسی مهندسی صنایع



بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. ما در طول مشروطیت از این کاخ نشینها خیلی صدمه خوردیم. مجلس های ما مملو از کاخ نشین بود و در بینشان معدودی بودند که از آن کوخ نشینها بودند، و همین معدودی که از کوخ نشینها بودند از خیلی انحرافات جلو می گرفتند و سعی می کردند برای جلوگیری.» ۳

تکیه بر اسلام

همچنین امام خمینی (ره) تاکید ویژه ای بر مرام به دور از نفاق مسئولین منتخب مردم داشتند: «همه چیز ما باید روی موازین اسلامی باشد. افرادی که تعیین می شوند، باید کسانی باشند که به درد اسلام و جمهوری اسلامی بخورند و عقیده شان هم این باشد که اسلام خوب است، نه فقط اظهار کنند، ولی عقیده نداشته باشند، کما اینکه در اول انقلاب، خیلی ها اظهار اسلام می کردند.» ۴

«دنبال این باشید که یک نفر صد درصد مکتبی، اسلامی، در خط اسلام، برای ریاست جمهور انتخاب کنید.» ۵

«رای خود را به شخصی بدهید که متعهد به اسلام و خدمتگزار به ملت و کشور و حامی مستضعفان و دارای بصیرت در امر دین و دنیا و منزله از گرایش به شرق و غرب و مکتب های انحرافی و دارای دید سیاسی است.» ۶

ایشان تاکید می کنند که رئیس جمهور قلباً باید به اسلام و اینکه اسلام راه سعادت جامعه است معتقد باشد و تکیه اش صرفاً بر اسلام و قوانین آن باشد نه به مکتب های انحرافی یا غرب و شرق: «من امیدوارم که اشخاصی که کاندیدا شدند برای ریاست جمهوری شما توجه کنید و کسی که از همه متعهد تر باشد، نه غربی باشد، نه غربزده باشد، نه شرق زده باشد، مسلمان باشد، پیرو احکام اسلام باشد... دلسوز به ملت باشد، خدمتگزار به ملت باشد، سوابقش خوب باشد... شخصی است که تعهد به اسلام دارد، اعتقاد به قوانین اسلامی دارد و در مقابل قانون اساسی خاضع است و اصل صد و دهم ظاهراً که راجع به ولایت فقیه است، معتقد است و وفادار

«من بنا ندارم که کسی را تعیین کنم. ما همین اوصاف رئیس جمهور را و اوصاف وکلایی که بعد می خواهید ان شاء الله تعیین کنید باید بگوییم و شما خودتان انتخاب کنید و از تفرقه و تفرق پرهیز کنید...» ۱

رئیس جمهور دومین رکن یک کشور است، وهرآنچه که مرتبط با پیاده سازی و اجرای قانون اساسی است، ارتباط مستقیم با شخص رئیس جمهور و به تبع آن، به ویژگی های ایشان دارد.

با توجه به برهه حساس زمانی و نزدیکی به انتخابات ریاست جمهوری لازم است تا بار دیگر ملامک ها و معیارهای ذهنی خود را در مورد خصوصیات رئیس جمهور اصلاح با معیار های معمار انقلاب اسلامی،

امام خمینی (ره) مورد مقایسه و سنجش قرار دهیم.

در همین راستا به بخشی از سخنان امام (ره) در مورد چند ویژگی رئیس جمهور می پردازیم:

ساده زیستی

یکی از خصلت های برجسته و شاید یکی از اصلی ترین آن ها که حضرت امام (ره) در ارتباط با ویژگی های ریاست جمهوری بر آن تاکید دارند ساده زیستی و دوری از خوی اشرافی گری است. ایشان ساده زیستی را لازمه ایستادگی در راه حق می دانند: «اگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه های آنان در روح شما اثر

نگذارد و شما را از میدان به در نکند خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام پرهیزید...» ۲

ایشان پیرامون ضرورت ساده زیستی مسئولان به ویژه رئیس دولت می فرمایند: «آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند خدای نخواسته، و از این خوی ارزنده کوخ نشینی

آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود.



حزب الهی لاکچری!

زینب اورکانی
کارشناسی مهندسی پزشکی

بررسی پدیده اشرافی گری در بین متدینین

چرا حزب الهی لاکچری؟ مگر حزب الهی انواع و اقسام دارد؟ از نظر من نمیتوان هم حزب الهی بود، هم لاکچری...

لاکچری یا همان واژهی لوکس خودمان، به حزب الهی واقعی که باید الگویی ائمه باشند نمی چسبد. مگر می شود ظواهر زندگی را به طور لوکس چید و توقع توجه به درون داشت؟ مگر می شود از جوانی که اوج دغدغه هایش در خریدن ساعت چند میلیونی و کفش فلان برند خلاصه می شود توقع جهاد داشت؟! البته جهاد، آشکار ترین وجهه ی آن است، و اگر نه جهاد اکبر مبارزه با نفسی است که چنین چیزهایی را طلب می کند!...

به قول امام راحل (ره) «کاخ نشینی خوی کاخ نشینی می آورد...» در اینجا هم می توان گفت به دنبال لوکس دنیا گشتن، خوی لوکس پسندی در انسان ایجاد می کند. حال خوی لوکس پسندی کجا و نشستن پای صحبت امیرالمؤمنین (ع) ساده زیست کجا؟...

شاید وقتی این مطلب را می خوانید خود را مستثنا از موج لوکس پسندی پندارید، ولی با طرح نمونه ای ساده می شود تقسیم بندی بهتری در این زمینه داشت؛ یکی از این نمونه ها مسئله ی ازدواج است، امر پسندیده ای که اکنون تبدیل به مشکل و معضل بزرگی شده است، اما چرا؟ مگر امام ما حضرت علی (ع) تنها با یک زره و شمشیر به خواستگاری برترین زنان عالم، حضرت فاطمه (س) رفت؟ مگر پیامبر (ص) تنها دخترش را به خانه ی کوچک اما پر از ایمان حضرت علی (ع) روانه نکرد؟ کجای الگوی اسلامی این مراسمات پر زرق و برق پر اسراف را تایید کرده است؟ به واقع آیا دینی که ما داعیه دارانش هستیم همان اسلام حقیقی است؟ که اگر بود نباید این مسائل برای مذهبی ها هم تبدیل به مانع راه می شد! و واقعا جای تعجب دارد که چرا حزب الهی ها به جای مبارزه با چنین تشریفات نادرستی، خود به سیل تجمل گرایان پیوستند و یا حداقل مخالفتی با آن ندارند! گویی سیره ی پیامبر (ص) فراموش گشته و ساده زیستی از محالات شده است. این تجمل پردازی ها تا جایی در میان ما عادی جلوه کرد تا به بخشی از فرهنگمان تبدیل شد و امروز حتی کسانی که وسع مالی شان می رسد، حاضر می شوند زیر بار قرض بروند تا این توقع نابجای ایجاد شده را به هر زحمتی که هست برآورده کنند تا نکند بعد ها کمبودی در این اشرافی گری ها حس شود!!! کاش کمی هم به باطن امور توجه کنیم. البته اگر ظواهر پر زرق و برق اجازه بدهند! و این نکته را یادآور شویم که هرچقدر برای تجملات این دنیا تلاش کنیم جز زیان نخواهیم دید و از آن دنیا بیشتر غافل خواهیم شد. دیگر سفره های به نام ائمه و بر ضد سیره ی آن ها، با اشرافی گری و اسراف های آنچنانی نیازی به تشریح و تفصیل ندارد...

کم کم کار به جایی می رسد که همین حزب الهی امروز که رگه هایی از لوکس گرایی و به عبارت دیگر اشرافی گری در او می بینیم، از «حزب الهی اشرافی» تبدیل شود به «اشرافی» ای که دیگر مذهب و دینی در کردار و رفتارش دیده نمی شود. و او بر آن روزی که برای فرود آمده بر سر کفار اشراف، به سر حزب الهی پندار های اشرافی نازل گردد!!!

است نسبت به او، یک همچو شخصی را شماها خودتان انتخاب کنید و گروه های مردم را هم وادار کنید که یک همچو شخصی را انتخاب کنند و از تفرقه بپرهیزید.» ۷

خدمت گذاری به مردم

از نظر امام روح ا... خدمت گذاری مسئولین و دولت زمانی ارزشمند می شود که در راستای کمک به محرومین باشد. «مطلب دیگر این است که خوب شما هم می دانید که مردم این دولت را و این جمهوری را پیا کردند و آن هم، نه همه مردم، این مردم پابرنه، این بازاری و این متوسطین و این محرومین. فشار روی اینها بوده است، یعنی فشار انقلاب روی دوش این محرومین بوده. شما، اگر در خیابان ها، در تظاهراتی که مردم کردند در زمان رژیم سابق و بعد از او در اوایل انقلاب، اگر یک کسی بررسی کرده بود، می دید که در بین اینها از آنهایی که مرفه اند چند نفرند و محرومین چقدرند؟ محرومین اند که این کار را کردند. بنابراین، دولت شما دولت محرومین است، یعنی، باید برای محرومین کار بکنید.» ۸

در انتها لازم به ذکر است که امام خمینی از جایگاه کارگزاران ملت به عنوان امتحان بزرگ الهی یاد میکند و همه ی مسئولین را از تکرار اشتباهات روسای پیشین و فراموش کردن مسئولیت خود بر حضر میدارد.

« حکومت کردن بر یک جامعه ای، بزرگترین آزمایشی است که خدای تبارک و تعالی از بشر می کند. ای رؤسا! شماها در معرض امتحان در آمده اید و اعمال شما دقیقاً تحت نظر خدای تبارک و تعالی است، توجه بکنید به این ملتی که به اینطور همراهی به شما می کند. مبادا با خون اینها برای خودتان بخواهید مقامی درست کنید، خدا نکند شماها بخواهید دیگران خون خودشان را بدهند و شما مقامتان بالاتر برود، خدا نکند که یک همچو حیوانی در باطن شما باشد و شما خیال کنید انسانید.» ۹

« الان همه این رؤسا، رئیس جمهور، نخست وزیر و... همه اینها در معرض امتحانند و این امتحان از امتحان در نقص اولاد و انفس بالاتر است. رؤسا هر جا هستند، در هر کشوری هستند، دولت مردان در هر کشوری که هستند و در هر جا که هستند باید بدانند که رسیدن به این مقام، امتحانی الهی بوده است و سخت امتحانی است. خودشان توجه کنند به اینکه قبل از رسیدن به این مقام و بعد از رسیدن به این مقام، چقدر در حالشان تفاوت حاصل شده است. قبل از رسیدن به این مقام به رؤسای جمهوری که سابق بودند و... ، قبل از رسیدن خودشان به این مقامات به آنها اشکال داشتند و آنها را تقبیح می کردند، الان که خودشان رسیدند آیا همان نقشه را عمل می کنند که آیندگان آنها را تقبیح کنند؟ » ۱۰

۶۰/۱۷۲.۶	۵۸/۱۰/۹.۱
۵۸/۱۰/۹.۷	۲. صحیفه نور جلد ۱۹ ص ۱۱
۸. صحیفه نور جلد ۱۹ صفحه ۳۶	۳. جلد ۱۷ صفحه ۳۷۶
۹. صحیفه نور جلد ۱۳ صفحه ۲۳۷	۴. جلد ۱۸ صفحه ۱۷۸
۱۰. صحیفه نور جلد ۱۳ صفحه ۲۳۶	۵. ۶۰/۱۴/۱۳.۵

علی دهقان
کارشناسی فیزیک

توسعه ی کمتر تحریم بیشتر

حلقه اتصال توافق پاریس در دانشگاه صنعتی امیرکبیر

حال آنچه مهتر است نقش دانشگاه امیرکبیر و به طور خاص دفتر توسعه پایدار دانشگاه در قبال برگزاری کنفرانسی در تایید چنین توافق پر شائبه و خطرناکیست که جای تامل دارد. دفتر توسعه پایدار دانشگاه کنفرانسی را برگزار می کند که حتی نام آن هم بر مبنای فرض اشتباه توافق پاریس است و در بطن این کنفرانس ظاهراً علمی، میهمانان سیاسی نیز حاضر می شوند و هر یک از منظر خود راه را برای القای پذیرش منطق توافق پاریس در ذهن مخاطب دانشگاهی و غیردانشگاهی هموار می کند. نکته ی جالب آنکه این کنفرانس در بازه ی زمانی بررسی توافق پاریس در دستگاه های نظارتی کشور، همانند شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی برگزار می شود و همچنان نیز ادامه دارد و با نام های دیگر در دانشگاه های دیگر در حال برگزاری است.

عملکرد دفتر توسعه ی پایدار دانشگاه در یکسال گذشته به گونه ای بوده است که جایگاه آن را از یک پایگاه موثر برای ارتباط نخبگان دانشگاهی با پروژه های صنعتی و کلان کشوری و حتی جهانی، -در راستای ارتقای سطح همکاری صنعت و دانشگاه- تقلیل داده و به یک ابزار سیاسی برای حضور افرادی، با سابقه ی غیرقابل قبول همچون جفری ساکس و یا عاملی برای تبلیغ توافقی خطرناک همچون توافق آب و هوایی پاریس در دانشگاه امیرکبیر تبدیل کرده است. حال با وجود چنین اقدامات نامبارکی، از رئیس دفتر توسعه ی پایدار دانشگاه صنعتی امیرکبیر، جناب آقای دکتر مکنون می خواهیم تا گزارشی از محل تامین منابع مالی اینگونه کنفرانس ها و برنامه ها و همچنین هدف کنونی این دفتر در دانشگاه و اقداماتی که تاکنون صورت گرفته است، به عموم دانشجویان و اساتید دانشگاه امیرکبیر ارائه دهند.



دفتر توسعه پایدار دانشگاه صنعتی امیرکبیر

برگزاری کنفرانس های تخصصی در موضوعات گوناگون چه در سطح ملی و چه در سطح دانشگاهی جزء برنامه های روتین در هر دانشگاهی است که بسته به موضوع آن، جامعه ی هدف خاصی را-چه دانشجو و چه استاد- با خود همراه می کند و برای استعلا ی آن می کوشد.

اما بعضاً مشاهده می شود که کنفرانسی ملی با دبدبه و کبکبه و تبلیغ فراوان در دانشگاه برگزار می شود که به ظاهر از کنفرانس های تخصصی است، اما محتوایی دارد از جنس پروپاگاندا، برای القای مقصودی خاص در ذهن مخاطب. در همین خصوص در ترم گذشته در دانشگاه پلی تکنیک تهران شاهد برگزاری کنفرانسی بودیم با نام تجارت کم کربن که همه ی هم و غمش آن بود که مهر تاییدی بر توافقی بین المللی

” آنچه در نگاه اول به این توافق، در ذهن متبادر می شود هدفی مقدس و انسان دوستانه برای محافظت از کره ی زمین و به نفع آینده ی بشر است اما همه چیز به همین جا ختم نمی شود و تنها کافیست بدانید که فرضی غلط، مضحک و غیرعلمی به عنوان مطلع این توافق در نظر گرفته شده است.

بزنند با نام «توافق آب و هوایی پاریس». اگر بخواهم به طور مختصر صفر تا صد این توافق را توضیحی دهم باید بگویم این توافق در سال ۲۰۱۵ در پاریس در بین ۱۹۸ کشور جهان با هدف جلوگیری از گرمایش زمین امضا شد که ایران نیز یکی از امضا کنندگان آن بود. آنچه در نگاه اول به این توافق، در ذهن متبادر می شود هدفی مقدس و انسان دوستانه برای محافظت از کره ی زمین و به نفع آینده ی بشر است اما همه چیز به همین جا ختم نمی شود و تنها کافیست بدانید که فرضی غلط، مضحک و غیرعلمی به عنوان مطلع این توافق در نظر گرفته شده است بر این اساس که گاز CO₂ به عنوان یکی از عوامل گرمایش زمین معرفی

شده است حال آنکه این گاز جزء گازهای گلخانه ایست و نه گازهای آلاینده که عامل اصلی گرمایش زمین هستند و این گفته ی اغلب دانشمندان برجسته ی دنیاست. اگر با فرض غلط این توافق پیش رویم، راه حلی که هر عقل سلیمی به آن خواهد رسید، کاهش میزان گاز CO₂ برای جلوگیری از گرمایش زمین است و اما آنچه نگران کننده است همین حکمی است که از آن فرض غلط نتیجه می شود که محصول آن برای کشور در حال توسعه ای همچون ایران که از منابع فسیلی به عنوان سوخت اصلی در صنایع، ماشین آلات و حمل و نقل استفاده می کند چیزی جز تحریم نیست! از شروطی که در این توافق آمده است کاهش ۱۲ درصدی میزان تولید گاز CO₂ تا سال ۲۰۳۰ برای کشور ایران است که در صورت عدم دستیابی به این هدف، طبق توافق، کشورهای عضو معاهده، مجاز به تحریم ایران هستند.





عذر بدتر از گناه!

سخنگو وزارت خارجه : در ضیافت برگزار شده در اقامتگاه
سفیر سوئد در تهران , هیچ سند یا قرارداد رسمی بین دو کشور
و یا مقامات دو دولت به امضا نرسید.

سوال : می شه بفرمایید پس دو وزیر و سایر مسئولین ما
در این پارتنری چه می کردند!؟



@AnjomanEslami_AUT